

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۴

(۲۸۶-۲۶۷)

بررسی ادبیات سعدی از دیدگاه توانمندسازی اجتماعی

معصومه محمودیان*

چکیده

توانمندسازی اجتماعی به عنوان یکی از الزامات توسعه پایدار بر شانه ارزش های فرهنگی-اجتماعی ایستاده است. ادبیات به عنوان پدیده ای زمینه مند و یکی از ستون های نظام فرهنگی جامعه، بازتابی از شرایط فرهنگی است که مشوق یا مانع توانمندسازی جامعه و حاکمیت می باشد. بررسی ادبیات کلاسیک می تواند اولاً تصویری از روند تاریخی تحول ارزش های فرهنگی را منعکس نموده، به شناخت عمیق تر چهارچوب های ارزشی حاکم مرتبط با مفهوم توانمندسازی در دوره معاصر یاری رساند و ثانیاً ظرفیت های فرهنگی موجود جهت حرکت در مسیر توسعه پایدار را برجسته نماید. از این منظر ادبیات سعدی به عنوان شاعر و سخنوری برجسته و به شهادت آثارش، یک مصلح اجتماعی و معلم اخلاق، واجد اهمیت است که با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و منابع کتابخانه ای مورد مطالعه قرار گرفت تا نسبت ادبیات او با مفاهیم محوری توانمندسازی بررسی گردد. اگر هدف از توانمندسازی، بهبود کیفیت زندگی انسان ها باشد، به نظر می رسد گرچه ارزش های سطح کلان توانمندساز برای حاکمان همچون برقراری عدالت کماکان مطرح است ولی در سطح فردی با توسعه فرهنگ مصرف گرایی، شاهد کم رنگ شدن مفهومی همچون قناعت هستیم که به عنوان عنصر فرهنگی بومی و منطقه ای موجب افزایش کیفیت زندگی بوده و در نظریه های پساتوسعه نیز مورد توجه قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: سعدی، توانمندسازی اجتماعی، تحلیل توصیفی، جامعه شناسی ادبیات،

پساتوسعه

* دکترای جامعه شناسی، پژوهشگر اجتماعی

مقدمه

تعداد زیادی از نظریه‌های جامعه‌شناختی، فرهنگ را به‌عنوان عاملی مهم در درک و تحلیل مسائل اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به نظریات تالکوت پارسنز اشاره نمود. پارسنز در نظریه کارکردگرایی ساختاری خود فرهنگ را به‌عنوان یکی از چهار خرده‌نظام اجتماعی و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، باورها و نمادها می‌داند که ساختار جامعه را شکل می‌دهند و نقش مهمی در یکپارچگی و ثبات آن ایفا می‌کنند. فرهنگ عنصری حیاتی در ساختار و عملکرد جامعه است و در هنگام تلاش برای «تغییر از وضع موجود به وضع مطلوب» با هدف ایجاد تغییرات درون‌زا و پایدار، ضروری می‌نماید. ادبیات (شعر و نثر) به‌عنوان بخشی از فرهنگ، در جامعه کارکردهای متعددی دارد که شکل‌دهی به ارزش‌ها و اخلاقیات، تقویت تفکر انتقادی، ارتقای هویت فرهنگی و تسهیل درک متقابل از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌باشد. ادبیات با ارائه داستان‌ها و شخصیت‌ها، مفاهیم انتزاعی را قابل درک‌تر نموده و به افراد کمک می‌کند تا به شناختی عینی و مشابه نسبت به موضوعات اجتماعی دست یابند. تحول فرهنگی، پدیده‌ای زمانمند و زمینه‌مند بوده و ارزش‌ها، اخلاقیات و هویت فرهنگی هر جامعه‌ای ریشه در تاریخ فرهنگی آن جامعه دارد. به گفته نورث «تاریخ مهم است؛ نه صرفاً به این دلیل که می‌توانیم از گذشته بیاموزیم، بلکه به دلیل آنکه حال و آینده به‌واسطه تداوم نهادهای یک جامعه، با گذشته ارتباط دارند. گذشته انتخاب‌های امروز و فردا را شکل می‌دهد» (نورث، ۱۳۸۵: ۱۳). لذا در بررسی تحولات فرهنگی، توجه به فرهنگ و ادبیات کلاسیک ضروری است. اساساً جامعه‌شناسی در ادبیات قصد دارد رابطه بین ادبیات و عناصر اجتماعی را بررسی نماید. لوسین گلدمن سه دسته پژوهش متفاوت و درعین حال مکمل را تحت عنوان جامعه‌شناسی ادبیات قرار می‌دهد: دسته اول شامل مجموعه‌ای از بررسی‌های جامعه‌شناختی درباره چاپ، پخش، و به‌ویژه دریافت و پذیرش آثار ادبی است.

دسته دوم به بررسی بعضی از جنبه‌های جزئی متون ادبی در مقام نشانه‌ها و فرامودهای آگاهی جمعی و دگرگونی آن می‌پردازد و در دسته سوم جامعه‌شناسی آفرینش ادبی قرار می‌گیرد. این جامعه‌شناسی اثر را همان‌قدر پدیده‌ای اجتماعی می‌داند که آفرینش فردی» (گلدمن، ۱۳۸۰: ۷۰-۷۲). پژوهش حاضر به این موضوع توجه دارد که مسئله اجتماعی توانمندسازی چگونه در متن ادبی مورد بررسی بیان شده است؛ لذا به دسته دوم تقسیم‌بندی گلدمن نزدیک‌تر می‌باشد.

تلاش برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب درواقع تعریف توسعه است و توانمندسازی به معنی افزایش قدرت، اختیار، اعتمادبه‌نفس و ظرفیت افراد یا گروه‌ها برای کنترل زندگی‌شان یکی از مفاهیم مرتبط با حوزه جامعه‌شناسی و توسعه می‌باشد. توانمندسازی اجتماعی به‌عنوان یکی از الزامات توسعه پایدار بر شانه ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی ایستاده است و تحلیل اجتماعی توسعه و توانمندسازی به‌عنوان مفاهیمی معاصر، فارغ از بسترهای اجتماعی- فرهنگی که در آن مطرح می‌شوند، ممکن نیست. با نگاهی تاریخی، این سؤال مطرح است که بهبود حیات اجتماعی افراد در ادبیات ایرانی چگونه دنبال شده است؟ معانی ذهنی سخنوران و ادیبان به سوی انفعال و ناامیدی مایل است یا نسبت به مسائل جامعه هوشیار، نقاد و عملگراست و بهبود را می‌جوید؟ لذا سؤال کلی این است که مفاهیم مندرج در ادبیات کلاسیک چه نسبتی با مفهوم توانمندسازی دارند؟ به‌طور ویژه، سؤال ذکرشده در خصوص صاحبان آثاری مطرح است که به مسائل اجتماعی نظر داشته و آداب زیست مردم و حاکمان را موردتوجه قرار داده‌اند. بررسی ادبیات سعدی از این منظر موردتوجه قرار گرفته، چنان‌که بسیاری از سخنان سعدی تبدیل به ضرب‌المثل‌های فارسی‌زبانان شده‌اند؛ ازجمله: «سخنی که از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند»^۱؛ «نیکی چو از

^۱ عجایب نقش‌ها بینی، خلاف رومی و چینی

حد بگذرد، نادان گمان بد برد^۲؛ «تو کز محنت دیگران بی غمی، نشاید که نامت نهند آدمی^۳»
و بسیاری دیگر.

مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی متخلص به سعدی، شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم هجری قمری است که تخلص خود را از نام اتابک مظفرالدین سعد پسر ابوبکر پسر سعد پسر زنگی گرفته است. سعد، ششمین و مشهورترین اتابک از اتابکان سلغوری فارس بود که در دوران حکومت او، شکوه و رونق این سلسله به اوج خود رسید و فارس آبادانی فراوانی یافت. انتخاب تخلص از نام او، نشانه‌ای از توجه خاص سعدی به شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه است. سعدی احتمالاً بین سال‌های ۶۰۰ تا ۶۱۵ هجری قمری زاده شده، در جوانی به مدرسه نظامیه بغداد رفت و به تحصیل ادب، تفسیر، فقه، کلام و حکمت پرداخت. این مدرسه که در سال ۴۵۹ هجری به دستور خواجه نظام‌الملک طوسی وزیر مشهور دربار سلجوقیان تأسیس شده بود، به صورت شبانه‌روزی اداره می‌شد و دانشجویان دروسی از قبیل صرف و نحو عربی، قرآن، فقه، حدیث، اصول و ... را فرا می‌گرفتند. سپس به شام، مراکش، حبشه و حجاز سفر کرد و پس از بازگشت به شیراز، تألیف شاهکارهای خود را آغاز نمود. وی در سال ۶۵۵ هجری قمری سعدی‌نامه یا بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶ هجری قمری) گلستان را تألیف کرد. علاوه بر این‌ها قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند،

اگر با دوست بنشینی، ز دنیا و آخرت غافل

در این معنی سخن باید، که جز سعدی نیاراید

که هرچ از جان برون آید، نشیند لاجرم بر دل

^۲ <https://ganjoor.net/saadi/boostan/bab2/sh30>

بوستان، باب دوم، در احسان

^۳ گلستان، باب اول، در سیرت پادشاهان

<https://ganjoor.net/saadi/golestan/gbab1/sh10>

رباعیات و مقالات و قصاید عربی نیز دارد که همه را در کلیات وی جمع کرده‌اند. پژوهش حاضر بر گستان سعدی متمرکز است.

این پژوهش مطالعه‌ای تحلیلی-توصیفی است که داده‌هایش را با روش کتابخانه‌ای تدارک دیده و تلاش دارد تا با تطبیق ارزش‌ها و مفاهیم مورد توجه در ادبیات سعدی با محورهای مفهوم مدرن توانمندسازی، به نسبت ادبیات کلاسیک سعدی با مفهوم توانمندسازی دست یافته، درکی از فضای فرهنگی-تاریخی در این رابطه حاصل نماید. ضمن اینکه دیدگاه‌های نوین پستاتوسعه با نقد توسعه کلاسیک و پیامدهای زیان‌بار آن برای انسان و طبیعت، برای حرکت از وضع موجود به مطلوب، رجوع به توانمندی‌های بومی و منطقه‌ای و بهره‌مندی از تنوع فرهنگی، محیطی و زیستی با مشارکت گروه‌های اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهند. از این منظر نیز توجه به ادبیات کلاسیک جهت شناخت، بیان و به‌کارگیری ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی که در گذر زمان کمرنگ شده‌اند، واجد اهمیت می‌باشد؛ مخصوصاً به این دلیل که ادبیات کلاسیک در فضایی فارغ از هجوم و سلطه فرهنگی عصر اطلاعات و ارتباطات خلق شده‌اند.

پیشینه پژوهش

فاطمه فرنی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفهوم توانمندسازی در کتاب‌های تصویری داستانی برگزیده فارسی، انگلیسی و فرانسوی در لیست کلاغ‌های سفید سال ۲۰۱۵» تمام کتاب‌های مذکور را از منظر تجلی توانمندسازی در آن‌ها مورد بررسی قرار داد. نتیجه نشان داد فراوانی نمونه‌های توانمندساز در کتاب‌های داستانی تصویری انگلیسی‌زبان (به‌طور مشخص کتاب *از تخیلت/ استفاده کن*) بیشتر از دو زبان دیگر بوده است. در کتاب فرانسوی *تو چه خوب از درخت بالا می‌روی* بیشتر به توانمندسازی فردی و اجتماعی پرداخته شده،

درحالی‌که در داستان‌های مصور فارسی (داستان «ماست شیرین»)، مفاهیم توانمندساز نمود ویژه‌ای نداشتند.

ناهیده زرعی مقاله‌ای در ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مدیریت با عنوان «توانمندسازی اخلاقی جامعه از دیدگاه سعدی» ارائه و در آن اشاره نمود که در آثار سعدی اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی جریان داشته و اخلاق به همراه باور توحیدی دو رکن عمده جامعه ایمانی به حساب می‌آیند. در این مقاله آمده است که نگاه سعدی در *گلستان*، نگاهی رئالیستی است که جهان را آن‌گونه که هست به مخاطب نشان می‌دهد و نه آن‌گونه که باید باشد؛ ولی حکایت‌های پندآموز مخاطبان را با مفاهیم و پندهای اخلاقی و اجتماعی آشنا می‌سازند.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد، به‌طورکلی تعداد پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص جایگاه مفهوم توانمندسازی در ادبیات ایران بسیار محدود بوده و نظر به اهمیت بعد فرهنگی مفهوم توانمندسازی و نقش تعیین‌کننده این مفهوم در تقویت و بهبود شرایط دولت و جامعه از یک سو و طرح دیدگاه‌های پسامدرن توسعه با تأکید بر فرهنگ، دانش بومی و مشارکت جوامع محلی از سوی دیگر، نیازمند توجه بیشتر به این مقوله و تلاش برای فرهنگ‌سازی در مورد آن هستیم.

چارچوب نظری و مفاهیم

بررسی مفاهیم اجتماعی ازجمله مفهوم توانمندسازی در متون ادبی نیازمند تعریف چهارچوب‌هایی است که درک ارتباط حوزه‌های مذکور به یکدیگر را فراهم می‌سازند. اساساً فرهنگ کارکردهای متعددی در جوامع داشته و ادبیات به‌عنوان بخشی از هنر و فرهنگ هر سرزمین، واجد بخش مهمی از این کارکردهاست؛ ازجمله: ایجاد همبستگی اجتماعی، انتقال

ارزش‌ها و هنجارها، شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی و کمک به سازگاری با محیط. فرهنگ همچنین به‌عنوان یک منبع معنا و هویت برای افراد عمل می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند تا جایگاه خود در جهان پیرامون را درک کنند. در مدل تالکوت پارسونز، فرهنگ به‌عنوان یکی از چهار نظام اساسی (AGIL) که برای بقای یک سیستم اجتماعی ضروری است، در نظر گرفته می‌شود. این چهار نظام شامل سازگاری^۴، حصول هدف، یکپارچگی و حفظ الگو^۵ هستند. فرهنگ در این مدل، نقش مهمی در حفظ یکپارچگی نظام اجتماعی و هدایت رفتار افراد از طریق ارزش‌ها، هنجارها و نمادها ایفا می‌کند و ادبیات به‌عنوان بخش مهمی از فرهنگ واجد همین ویژگی‌های عام می‌باشد. از طرف دیگر، توانمندسازی^۶ یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه مدیریت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات توسعه است که به افزایش قدرت، اختیار، اعتمادبه‌نفس و ظرفیت افراد یا گروه‌ها برای کنترل زندگی‌شان اشاره دارد. توانمندسازی اجتماعی^۷ یعنی فرآیندی که در آن افراد یا گروه‌های حاشیه‌ای یا فاقد قدرت، ابزارها و فرصت‌هایی برای دسترسی به منابع، تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر جامعه پیدا می‌کنند. هدف، کاهش نابرابری و افزایش مشارکت اجتماعی است. در توانمندسازی، افزایش قدرت تصمیم‌گیری، توسعه مهارت‌ها، حس مسئولیت‌پذیری، افزایش خودکارآمدی، نوآوری، ایجاد رضایت شغلی، بهبود عملکرد و حفظ منابع جزو مفاهیم محوری می‌باشند. از منظر مطالعات توسعه، مفهوم نظری که در این پژوهش موردتوجه قرار گرفته، «پساتوسعه» است. این مفهوم از دهه‌های پایانی قرن بیستم و با گسترش نقدهای وارد بر

^۴ Adaptation

^۵ Latency

^۶ Empowerment

^۷ Social empowerment theory

روندها و پیامدهای توسعه از جمله آسیب‌های وارد بر طبیعت، اخلاق و عدالت گسترش یافت. توسعه کلاسیک بیش از آنکه تحولات اجتماعی و انسانی را موردتوجه قرار دهد، به توسعه صنعتی و اقتصادی توجه دارد اما در پساتوسعه، توسعه انسانی با توجه به زیست‌بوم محلی و ایجاد نظم‌های انسانی مدنظر است؛ نظم‌های بیرون از سیطره ماشین‌زدگی عصر نوسازی است. انسان توسعه و نوسازی نوعی انسان فنی است و بیشتر نقش سوژه‌ای کنترلی را دارد اما انسان پساتوسعه انسانی فرهنگی است که در محیط خودش برای ترقی سطح جامعه خود سوژگی می‌کند. این انسان نه در مقام یک توده بلکه در مقام فردی کنشگر ورود می‌کند و همین ضرورت، توانمندسازی را به یکی از مفاهیم محوری پساتوسعه تبدیل می‌نماید. اولویت بخشیدن به فرهنگ به جای اقتصاد، ترویج رویکرد توسعه مردمی یا مردم‌گرا با معیارهای تمرکززدایی و محلی‌گرایی، توانمندسازی و ساخت دنیایی از لحاظ فرهنگی، انسانی‌تر و از نظر محیط‌زیستی پایدارتر، از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های پساتوسعه محسوب می‌گردند (مؤمنی و درویشی، ۱۳۹۸: ۸۵) و همین رویکرد، توسعه را به ادبیات به عنوان یکی از پایه‌های اصلی فرهنگ پیوند می‌زند.

اگر بپذیریم ارزش‌ها و قواعد یک عصر، از مجرای فرهنگ و هنر و ادبیات، با داوری مثبت یا منفی و یا از طریق پندها و اندرزها مشوق نوع خاصی از نگرش و رفتار و مانع نوع دیگری از آن می‌باشند، آنگاه می‌توانند تصویری از مفاهیم مشترک بین‌الذهانی جامعه آن دوره تاریخی را منعکس و از همین مجرا منبعی از داده‌ها و اطلاعات جهت مطالعه روندهای تحول موضوعات فرهنگی-اجتماعی را نیز فراهم نمایند. اشعار و آثار مرتبط با مفهوم توانمندسازی در ادبیات سعدی (با تأکید بر گلستان) نیز در چهارچوب دیدگاه مذکور موردبررسی قرار گرفته است.

پرواضح است که یکی از دلایل بقا و تازگی ادبیات در طول قرون و اعصار مختلف، امکان تفاسیر و برداشت‌های گوناگون از محتواهای ادبی بوده و تفسیر محتوای موردبررسی در قالب رویکرد نظری پژوهش حاضر، یکی از تفاسیر ممکن می‌باشد.

موضوعات

توسعه مهارت‌ها و شایسته‌سالاری

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان توانمند، داشتن دانش و مهارت است. باب اول گلستان سعدی به این موضوع اشاره مستقیم دارد که «توانگری به هنرست نه به مال». باب هفتم گلستان: در تأثیر تربیت، حکایت پند حکیم به زیبایی، اهمیت هنر و مهارت را گوشزد می‌نماید. «حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر هنر آموزید که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر به محل خطر است یا دزد به یکبار ببرد یا خواجه به تفاریق بخورد. اما هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده و اگر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است؛ هر جا رود قدر ببند و بر صدر نشیند و بی‌هنر لقمه چیند و سختی ببند.

سخت است پس از جاه، تحکم بردن خو کرده بناز، جور مردم بردن

وقتی افتاد فتنه‌ای در شام هر کس از گوشه‌ای فرارفتند

روستازادگان دانشمند به وزیری پادشا رفتند

پسران وزیر ناقص عقل به گدایی به روستا رفتند»

همچنین سعدی مهارت را یکی از عوامل مؤثر بر حفظ عزت‌نفس و ارتقاء توانمندی شخصیتی و اجتماعی افراد جامعه می‌داند و این مهم را در باب اول گلستان در قالب داستانی روایت می‌نماید: «دو برادر یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به زور بازو نان خوردی.

توانگر گفت درویش را: چرا خدمت سلطان نکنی تا از مشقت کارکردن برهی؟ گفت: تو چرا کار نکنی تا از مذلت خدمت رهایی یابی؟ که حکما گفته‌اند: نان خود خوردن و نشستن به از کمر زرین به خدمت بستن.

به دست آهن تفته کردن خمیر به از دست بر سینه پیش امیر»

حکایت بیمار و بیطار در باب هفتم گلستان با عنوان در تأثیر تربیت، در شیواترین گفتار به اهمیت تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری توجه داشته، مهارت و شایستگی را وجه تمایز بین افراد از منظر توانمندی می‌داند: «مردکی را چشم درد خاست. پیش بیطار رفت تا دوا کند. بیطار از آنچه در چشم چهارپایان می‌کند، در چشم وی کشید و کور شد. حکومت پیش داور بردند؛ گفت: بر او هیچ تاوان نیست، اگر این خر نبودی پیش بیطار نرفتی. مقصود از این سخن آن است تا بدانی که هر آن‌که نآزموده را کار بزرگ فرماید، بآنکه ندامت برد، به نزدیک خردمندان به خفت رای منسوب گردد.

ندهد هوشمند روشن رای به فرومایه کارهای خطیر
پوریاباف اگرچه بافنده‌ست نبرندش به کارگاه حریر»

افزایش قدرت تصمیم‌گیری

توانمندسازی، فرآیندی است که در آن به افراد یا گروه‌ها اختیارات، منابع و دانش لازم داده می‌شود تا بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل مشارکت فعال داشته باشند و کنترل بیشتری بر کار خود احساس کنند. این امر به نوبه خود منجر به افزایش حس مسئولیت‌پذیری، تعهد و انگیزه می‌شود. سعدی در داستان موسی و درویش به این نکته اشاره دارد که داشتن امکانات اگر با توانمندی تصمیم‌گیری درست همراه نباشد، می‌تواند به تباهی منجر شد. در این دادستان می‌خوانیم که «موسی علیه‌السلام درویشی را دید از برهنگی به ریگ در شده.

دعا کرد تا خدای، عزوجل، مر او را نعمتی داد. پس از چند روز دیدش گرفتار و خلقی انبوه بر او گرد آمده. گفت: این را چه حلت است؟ گفتند: خمر خورده است و عربده کرده و خون کسی ریخته، قصاصش همی کنن. لطیفان گفته‌اند:

گربه مسکین اگر پر داشتی تخم گنجشک از جهان برداشتی
در حکایت سخاوت و شجاعت آمده است «حکیمی را پرسیدند از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت: آن‌که را سخاوت است به شجاعت حاجت نیست.

نماند حاتم طائی ولیک تا به ابد بماند نام بلندش به نیکوئی مشهور
زکات مال بدر کن که فضله رز را چو باغبان بزند بیشتر دهد انگور»^۸

حس مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری به معنی پذیرش عواقب اعمال و تصمیمات، چه مثبت و چه منفی و پاسخگویی در قبال آن‌ها، با توانمندسازی ارتباط وثیق دارد؛ زیرا توانمندسازی به معنای ایجاد شرايطی است که افراد بتوانند مهارت‌ها و توانایی‌های خود را به کار گیرند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند. سعدی مسئولیت‌پذیری حکایت انوشیروان عادل در باب اول گلستان و سیرت پادشاهان، نشانه اهمیت احساس مسئولیت و تعهد به خیر جمعی خصوصاً از سوی حاکمان است: «آورده‌اند که انوشیروان عادل در شکارگاهی صید کباب کرده بود و نمک نبود. غلامی را به روستا فرستاد تا نمک حاصل کند. گفت: زینهار تا نمک به قیمت بستانی تا رسمی نگردد و دیه خراب نشود. گفتند: این قدر چه خلل کند؟ گفت: بنیاد ظلم در جهان، اول اندک بوده است و به مزید هر کس بدین درجه رسیده است.

^۸ گلستان-باب دوم: در اخلاق درویشا

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی
برآورند غلامان او درخت
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد
زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ»

حکایت ملک و گدا در باب اول گلستان مصداق دیگری از ارتباط وثیق توانمندی با مسئولیت‌پذیری و قدرت تصمیم‌گیری است. در این حکایت آمده است: «یکی از ملوک شنیدم که شبی در عشرت روز کرده بود و در پایان مستی می‌گفت:

ما را به جهان خوش‌تر از این یک دم نیست
کز نیک و بد اندیشه و از کس غم نیست
درویشی برهنه، به سرما بیرون خفته بود بشنید و گفت:

ای آن که به اقبال تو در عالم نیست
گیرم که غمت نیست، غم ما هم نیست؟
ملک را خوش آمد. صره‌ای هزار دینار از روزن بیرون داشت و گفت: دامن بدار ای درویش! گفت: دامن از کجا آرم که جامه ندارم. ملک را بر حال ضعیف او رقت زیادت شد و خلعتی بر آن مزید کرد و پیشش فرستاد. درویش آن نقد و جنس را به اندک مدتی بخورد و پریشان کرد و به طمع بازآمد.

قرار بر کف آزادگان نگیرد مال
نه صبر در دل عاشق، نه آب در غریال
در حالتی که ملک را پروای او نبود عرضه داشتند که فلان درویش ایستاده است. بهم برآمد و روی در هم کشید و از اینجا گفته‌اند اصحاب فطنت و خبرت که از حدت و سورت پادشاهان بر حذر باید بود که غالب همت ایشان به معظمت امور مملکت متعلق باشد و تحمل ازدحام عوام نکند.

حرامش بود نعمت پادشاه
که هنگام فرصت ندارد نگاه
مجال سخن تا نبینی ز پیش
به بیهوده گفتن مبر قدر خویش
گفت این گدای مبذر را که چندان نعمت به چندین مدت برانداخت برانید که خزینه بیت‌المال لقمه مساکین است نه طعمه اخوان شیاطین».

افزایش خودکارآمدی و بهبود عملکرد

خودکارآمدی به باور فرد در مورد توانایی‌هایش برای انجام وظایف و دستیابی به اهداف اشاره دارد. توانمندسازی فرآیندی است که طی آن فرد کنترل بیشتری بر زندگی خود به دست می‌آورد و به منابع لازم برای موفقیت دسترسی پیدا می‌کند. سعدی به این مهم اشاره دارد که مجهز بودن به دانایی، زمانی می‌تواند منجر به توانمندی شود که برای ارتقاء سطح زندگی مورد استفاده قرار گیرد و در عمل به افزایش کارآمدی فردی و جمعی منجر گردد. چنان‌که می‌فرماید: «عالم ناپرهیزگار، کور مشعله‌دار است.

بی‌فایده هر که عمر در باخت
چیزی نخرید و زر بینداخت
یکی را گفتند عالم بی‌عمل به چه ماند؟ گفت به زنبور بی‌عسل.

زنبور درشت بی‌مروت را گوی
باری چو عسل نمی‌دهی نیش مزین^۹
بهبود عملکرد به معنای ارتقای سطح کیفی و کمی فعالیت‌ها و نتایج حاصل از کار است که می‌تواند از طریق توانمندسازی افراد و بهبود فرآیندهای کاری حاصل شود. سعدی نتیجه‌گراست و به آنچه که از تلاش حاصل می‌آید، توجه دارد. در سخن او «دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند: یکی آنکه اندوخت و نخورد و دیگر آنکه آموخت و نکرد.

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست، نادانی^{۱۰}
در حکایت انصاف و قناعت نیز فقر را نتیجه ناتوانی انسان‌ها در مواجهه با وضعیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌داند و در این بین با روشن‌بینی، هر دو سوی فقیر و توانگر را

^۹ گلستان-باب هشتم: در آداب صحبت

^{۱۰} گلستان-باب هشتم: در آداب صحبت

موردتوجه قرار می‌دهد: «خواهنده مغربی در صف بزازان حلب می‌گفت: ای خداوندان نعمت! اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت، رسم سؤال از جهان برخواستی.

ای قناعت! توانگرم گردان که برای تو هیچ نعمت نیست
کنج صبر اختیار لقمان است هر که را صبر نیست، حکمت نیست»^{۱۱}

توانمندسازی حکمرانی

توانمندسازی حکمرانی به معنای افزایش کارآمدی، اثربخشی و عدالت‌محوری در انجام وظایف و ارائه خدمات از سوی حاکمیت به جامعه است. سعدی با بیان حکایاتی در سیرت پادشاهان، مسئولیت حاکم نسبت به رعیت، عدالت و شایسته‌سالاری را موردتوجه قرار داده که از مبانی ایجاد بسترهای مناسب جهت توانمندسازی جامعه و ارتقاء کیفیت حکمرانی می‌باشد. در حکایت سلطان بخیل چنین آمده است: «یکی از پادشاهان پیشین در رعایت مملکت سستی کردی و لشکر به‌سختی داشتی. لاجرم دشمنی صعب روی نمود همه پشت دادند.

چو دارند گنج از سپاهی دریغ دریغ آیدش دست بردن به تیغ

یکی را از آنان که غدر کردند با من دوستی بود ملامتش کردم و گفتم دون است و بی‌سپاس و سفله و ناحق‌شناس که به اندک تغییر حال از مخدوم قدیم برگردد و حقوق نعمت سالیان درنوردد. گفت: اگر به کرم معذور داری شاید که اسبم بی‌جو بود و نمدزین به گرو و سلطان که به زر با سپاهی بخیلی کند، به سر با او جوانمردی نتوان کرد.

زر بده مرد سپاهی را تا سر بنهد و گرش زر ندهی سر بنهد در عالم»^{۱۲}

^{۱۱} گلستان-باب سوم: در فضیلت قناعت

^{۱۲} گلستان-باب اول: در سیرت پادشاهان

در حکایت درویش مجرد نیز بر مسئولیت حکمران در قبال جامعه اشاره شده است: «درویشی مجرد به گوشه صحرایی نشسته بود. یکی از پادشاهان بر او بگذشت. درویش از آنجا که فراغ ملک قناعت است سر بر نیاورد و التفاتی نکرد. سلطان از آنجا که سطوت سلطنت است به هم بر آمد و گفت: این طایفه خرقة پوشان امثال حیوان‌اند و اهلیت و آدمیت ندارند. وزیر نزدیکش آمد و گفت: ای درویش! پادشاه وقت بر تو بگذشت چرا سر بر نیاوردی و شرایط ادب به تقدیم نرسانیدی؟ گفت: ملک را بگوی که توقع خدمت از کسی دار که توقع نعمت از تو دارد. دیگر بدان که ملوک از بهر پاس رعیت‌اند نه رعیت از بهر طاعت ملوک.

پادشه پاسبان درویش است گرچه نعمت به فر دولت اوست
گوسفند از برای چوپان نیست بلکه چوپان برای خدمت اوست»^{۱۳}

سعدی پادشاهان را به رعایت حال مردم اندرز داده و بارها به آنان گوشزد نموده که بدون رعیت، پادشاهی و بزرگی معنا ندارد: «امیر چون سر است و رعیت تن؛ پس نادان سری باشد که تن خود بدرد.

شنیدم که خسرو به شیرویه گفت در آن دم که چشمش زدیدن بخفت
بر آن باش تا هر چه نیت کنی نظر در صلاح رعیت کنی»^{۱۴}

همبستگی و مشارکت اجتماعی

بشر دوستی و اخلاق‌گرایی به‌عنوان بنیان‌های همبستگی و مشارکت اجتماعی، از پررنگ‌ترین مفاهیم مورد توجه سعدی بوده و توصیه به قناعت، سخا و جوانمردی نمونه‌های بارز این

^{۱۳} گلستان-باب سوم: در فضیلت قناعت

^{۱۴} بوستان-باب اول: در عدل و تدبیر و رای

رویکرد هستند. همدلی و کمک به نیازمندان به هر میزان که مقدور باشد، مورد تأیید و تأکید سعدی بوده است؛ از حکایت نگین انگشتی یکی از بزرگان اهل تمیز تا درویشی که خرش در گل مانده: «درویش ضعیف‌حال را در خشکسالی مپرس که چونی الا به شرط آنکه مرهم ریشش بنهی و معلومی پیشش.»

خری که بینی و باری به گل در افتاده به دل بر او شفقت کن ولی مرو به سرش
کنون که رفتی و پرسیدیش که چون افتاد میان ببند و چو مردان بگیر دنب خرش»
سعدی نوع‌دوستی را سبب ایجاد احساس هویت انسانی می‌داند و می‌کوشد افراد جامعه را در جهت همدردی و حمایت از یکدیگر فارغ از نژاد و طبقه ترغیب نماید. در همین راستا در گلستان-باب اول، سیرت پادشاهان آمده است: بر بالین تربت یحیی پیغامبر علیه‌السلام، معتکف بودم در جامع دمشق که یکی از ملوک عرب که به بی‌انصافی منسوب بود اتفاقاً به زیارت آمد و نماز و دعا کرد و حاجت خواست.

درویش و غنی بنده این خاک درند و آنان که غنی‌ترند محتاج‌ترند
آنگه مرا گفت: از آن جا که همت درویشان است و صدق معاملات ایشان، خاطری همراه من کنید که از دشمنی صعب، اندیشناکم. گفتمش: بر رعیت ضعیف رحمت کن تا از دشمن قوی زحمت نبینی.

به بازوان توانا و قوت سردست خطاست پنجه مسکین ناتوان بشکست
نترسد آن که بر افتادگان نبخشاید؟ که گر ز پای در آید کشش نگیرد دست؟
هر آن که تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت دماغ بیهده پخت و خیال باطل بست
ز گوش پنبه برون آر و داد خلق بده و گر تو می‌دهی داد، روز دادی هست!

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

نتیجه‌گیری

مسئله در پژوهش حاضر بررسی مفهوم توانمندسازی اجتماعی به‌عنوان یکی از موضوعات مرتبط با توسعه پایدار و درون‌زا، در ادبیات سعدی به‌عنوان شاعر، سخنور و مصلح اجتماعی می‌باشد. مفاهیم و سرفصل‌های مورد تأکید سعدی از جمله در سیرت پادشاهان، در تأثیر تربیت، در اخلاق درویشان، در فضیلت قناعت و ...، از زوایای مختلف در نسبت با مفهوم توانمندسازی قرار می‌گیرند. توانمندسازی اجتماعی به معنای فراهم آوردن بسترها و شرایطی است که افراد جامعه بتوانند با آگاهی، مهارت و اعتماد به نفس، در راستای بهبود زندگی خود و اجتماع مشارکت فعال داشته باشند. سعدی با بیان حکایات و تمثیل‌های شیرین، مفاهیم عمیق انسانی و اجتماعی را به زبانی ساده و قابل فهم برای عموم مردم بیان می‌کند و با این شیوه، به ارتقاء آگاهی و بینش عمومی و در نتیجه توانمندسازی اجتماعی یاری می‌رساند. لذا از منظر ادبیات سعدی، بسترهای فرهنگی با الزامات ارزشی مورد نیاز جهت پیشبرد برنامه‌های توانمندسازی هم‌راستا می‌باشد. ذکر این نکته نیز ضروری است که در چند دهه اخیر، با توجه به نقدهای وارد بر مفهوم خطی توسعه در دیدگاه‌های کلاسیک و مدرن و بر پیامدهای مخرب آن بر محیط زیست، فرهنگ‌های بومی و افزایش نابرابری‌ها، معانی و تفاسیر جدیدی از توسعه با محوریت فرهنگ و انسان و اهمیت تقدم کارگزاری جامعه عرضه شد که در اصطلاح به نظریات پساتوسعه^{۱۵} مشهور گردیده است. با وجود نقدهای وارد شده بر پساتوسعه از جمله نادیده گرفتن آثار مثبت توسعه و ابهام در تعریف جایگزین برای آن، تأکید پساتوسعه بر

^{۱۵} Post-Development

توانمندسازی جامعه، توجه به ظرفیت‌های بومی و فرهنگی برای بهبود شرایط زندگی و توجه به ارتقاء کیفیت و رضایت از زندگی به‌جای تمرکز صرف بر ارتقاء عددی شاخص‌های صنعتی و رفاهی، می‌تواند فضا و فرصتی برای انسان‌ها و جوامع ایجاد کند تا بیندیشند که چه چیزهایی را از دست داده‌اند و چه چیزهایی به دست آورده‌اند؟

نظریه‌های پساتوسعه بر زمینه‌مند بودن مسائل و اهمیت توجه به فرهنگ و دانش بومی برای رفع آن‌ها تأکید دارند. به‌عنوان نمونه، مجید رهنما که خودش زمانی یکی از مجریان توسعه در ایران بود^{۱۶}، از جمله اندیشمندان پساتوسعه است که اعتقاد دارد با نفوذ زرق‌وبرق طرح‌های توسعه و وعده و وعیدهای آن در اجتماعات، جوامع محلی دچار اقتصادزدگی و بینوایی اخلاقی می‌شوند (عنبری و پیری، ۱۳۹۵: ۹۳). او «فقر»^{۱۷} (که می‌تواند یک سبک زندگی مبتنی بر قناعت و خودکفایی باشد) را از «بدبختی»^{۱۸} (عدم دسترسی به حداقل‌های معیشتی) متمایز و تفاوت بین این دو را تشریح نمود. به عقیده او تلاش برای توسعه پس از جنگ جهانی دوم به‌جای رفع فقر به تولید بدبختی منجر شده است. به‌طور مشخص قناعت به‌عنوان مفهومی مرتبط با فقر و عزت‌نفس جزو ارزش‌های پسندیده و موردستایش سعدی بوده است. اساساً ادبیات سعدی حاوی مضامین اخلاقی و اجتماعی گسترده‌ای است که به مسائل مختلف فردی و اجتماعی زندگی انسان می‌پردازد. او به‌عنوان یک مصلح اجتماعی همواره در آثار خود به دنبال ترویج فضایل اخلاقی و انسانی بوده و بر مفاهیمی همچون سخا، قناعت، نوع‌دوستی و ... تأکید داشته است. این مفاهیم به‌عنوان سرمایه‌های فرهنگی می‌توانند در خدمت بهبود «کیفیت» زندگی افراد جامعه بوده به پیگیری توسعه پایدار همراه با حفظ فرهنگ بومی، عدالت اجتماعی و پایداری محیط‌زیست یاری رسانند.

^{۱۶} مجید رهنما (آذر ۱۳۰۳ در تهران - ۲۵ فروردین ۱۳۹۴ در لیون) پژوهشگر و سیاستمدار ایرانی (وزیر علوم و آموزش عالی در سال ۱۳۴۶) بود.

^{۱۷} Poverty

^{۱۸} Misery

منابع

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی (۱۳۸۲)، گلستان و بوستان، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: نشر ققنوس.

اسکارپیت، روبر (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه دکتر مرتضی کتبی، تهران: انتشارات سمت.
نورث، داگلاس (۱۳۸۵)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: نشر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

رهنما، مجید (۱۳۸۶)، هنگامی که بینوایی فقر را از صحنه بیرون می‌راند، ترجمه حمید جاودانی، تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

عنبری، موسی و پیری، صدیقه (۱۳۹۵)، «توسعه به‌مثابه بینوایی اخلاقی: سیری در اندیشه مجید رهنما»، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱، صص ۱۱۴-۸۷.

سیدصدر، سیدمحمدتقی (۱۳۹۵)، سعدی و اقتصاد، تهران: انتشارات فردوس.
مؤمنی، سمیه و درویشی، هادی (۱۳۹۸)، «نگاهی به مکتب پساتوسعه»، فصلنامه علمی-ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۱۰۵-۸۵.

فرنیا، فاطمه (۱۴۰۰)، «بررسی مفهوم توانمندسازی در کتاب‌های تصویری داستانی برگزیده فارسی، انگلیسی و فرانسوی در لیست کلاغ‌های سفید سال ۲۰۱۵»، مطالعه ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰ (پیاپی ۲۳)، صص ۱۰۵-۱۴۰.

زرعی، ناهیده (۱۳۹۹)، «توانمندسازی اخلاقی جامعه از دیدگاه سعدی»، ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مدیریت، صص ۹۸-۱۱۵.

Abstract

Sa'adi's Literature from the Perspective of Social Empowerment

Social empowerment, as one of the requirements of sustainable development, stands on the shoulders of socio-cultural values. Literature, as a contextual phenomenon and one of the pillars of the cultural system of society, is a reflection of cultural conditions that encourage or hinder the empowerment of society and governance. The study of classical literature can, firstly, reflect a picture of the historical process of the evolution of cultural values, help to understand more deeply the prevailing value frameworks related to the concept of empowerment in the contemporary era, and secondly, highlight the existing cultural capacities for moving on the path of sustainable development. From this perspective, Sa'adi's literature, as a prominent poet and orator and, as evidenced by his works, a social reformer and teacher of ethics, is important, which was studied using the analytical-descriptive method and library resources to examine the relationship of his literature with the central concepts of empowerment. If the goal of empowerment is to improve the quality of life of people, it seems that although macro-level empowering values such as establishing justice are still relevant for rulers, at the individual level, with the development of consumerist culture, we are witnessing the fading of a concept such as contentment, which as a local and regional cultural element has increased the quality of life and has also been considered in post-development theories.

Keywords: Sa'adi, Social Empowerment, Descriptive Analysis, Sociology of Literature, Post-Development